

اختلال در خودماندگی

راهبردهای عملی برای والدین و درمان

سمیه سادات ساداتی | دانشجوی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

سید علی‌اکبر حسینی | دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه تهران

چکیده

۱. تعریف

مفهوم درخودماندگی برای اولین بار در سال ۱۹۴۳ میلادی توسط لئو کانر^۱ به کار برده شد. او گروهی از کودکان را توصیف کرد که الگوی بسیار مشخصی از نشانه‌های خاصی را از خود نشان می‌دادند و در عین حال از کودکان مبتلا به دیگر اختلالات کودکی از جمله عقب‌ماندگی ذهنی و اسکیزوفرنی متمایز بودند. کانر این شکل شدید از آسیب‌شناسی روانی کودک را "درخودماندگی اولیه‌ی کودکی"^۲ نامید (کانر، ۱۹۴۳)، به نقل از داوسون^۳ و نیل^۴ (۲۰۰۱).

در زمینه اختلال درخودماندگی تعاریف مختلفی وجود دارد. انجمن ملی درخودماندگی^۵ (۲۰۰۴) درخودماندگی را به عنوان یک ناتوانی تحولی زیستی - عصب شناختی که عموماً قبل از ۳ سالگی آشکار می‌شود تعریف می‌کند. درخودماندگی تحول طبیعی مغز را در زمینه‌های تعامل اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و کنش شناختی تحت تأثیر قرار می‌دهد. DSM-IV (۱۹۹۴) اختلال درخودماندگی را از یکسو براساس تحول نابهنجار یا نارسای تعامل اجتماعی و ارتباطی و از سوی دیگر، بر مبنای محدودیت قابل ملاحظه فعالیت‌ها و رغبت‌ها تعریف می‌کند. درخودماندگی به عنوان وخیم‌ترین اختلال روان‌شناختی کودکان (که همواره آغاز آن قبل از ۳ سالگی است) تعریف می‌شود. فراوانی این اختلال را که در پسران ۴ تا ۵ برابر بیش از

درخودماندگی از جدی‌ترین اختلالات روان‌شناختی دوران کودکی است نشانه‌های بارز آن مشکلات ارتباطی، تعامل اجتماعی، مشکلاتی در بازی و کاهش رغبت است. درخودماندگی نوعی اختلال فراگیر رشد است که در نخستین سال‌های زندگی (دوره کودکی) بروز می‌کند و علاوه بر مشکلات ذکر شده، مشکلات دیگر رشدی از قبیل انعطاف‌ناپذیری تفکر، مشکلات در کنار آمدن با تغییرات، تأخیر در مهارت‌های زبانی و رفتارهای کلیشه‌ای را با خود به همراه دارد. در مقاله‌ی حاضر ضمن تعریف و توصیف اختلال و علائم آن بیشتر به بحث روی راهبردهای عملی و کاربردی برای والدین و آموزگاران این گروه به منظور بهتر شدن وضعیت این کودکان پرداخته شده است.

مقدمه

روان‌گسستگی^۱ اصطلاحی کلی است که به منظور مشخص کردن وخیم‌ترین عارضه‌ی روانی که در اثر ازهم‌پاشیدگی فرایندهای فکری، بی‌نظمی‌های هیجانی، از دست دادن جهت‌یابی فضایی و زمانی، ناتوانی در ارزیابی واقعیت برونی، واکنش سازمان‌نیافته نسبت به الزام‌های معمول زندگی، هذیان و توهم در پاره‌ای از موارد و به طور کلی، آسیب دیدگی شخصیت به وسیله‌ی فرایند مرضی به کار می‌رود (منصور، دادستان، راد، ۱۳۶۵).

برای این افراد مشکل می‌کند، بلکه زندگی را برای خانواده، آموزگاران و هرکسی که با آنها ارتباط برقرار می‌کند، سخت می‌کند. (راتر^۸، ۲۰۰۰)

۳. آیا همه افراد درخودمانده علایم مشابهی دارند؟
درخودماندگی اختلال پیچیده‌ای است که به شکل‌های متفاوتی روی افراد تأثیر می‌گذارد. چون افراد دارای اختلال درخودماندگی شباهت‌ها و تفاوت‌های کمی دارند. امروزه پزشکان بر این باورند درخودماندگی طیفی از اختلال را در برمی‌گیرد، بنابراین می‌توان به جای یک ویژگی دامنه‌ای از شرایط با ویژگی‌های مشابه را در نظر گرفت. پزشکان از واژه‌ی اختلال درخودماندگی برای توصیف افرادی که علایم خفیف، شدید یا بین این حالات را دارند، استفاده می‌کنند (زلازو^۹، ۲۰۰۶).

۴. نشانه‌های دیگر درخودماندگی

۱. وقتی او را صدا می‌زنند، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد.
۲. نمی‌تواند خواسته‌ی خود را برای دیگران توضیح دهد.
۳. در مهارت‌های زبانی یا گفتاری دارای تأخیر است.
۴. دستورات را دنبال نمی‌کند.
۵. در یک آن ناشنوا به نظر می‌رسد.
۶. علامت خداحافظی (bye-bye) را با دستانش نشان نمی‌دهد.
۷. اشیاء را با بدخلقی و نحسی^{۱۰} و به شدت پرتاب می‌کند.
۸. در کارها بیش‌فعالی، عدم همکاری در کارها یا تضادگرایی^{۱۱} را نشان می‌دهد.
۹. به طور نامناسبی با اسباب بازی‌های خود بازی می‌کنند.
۱۰. در موقعیت‌های خنده‌آور، نمی‌خندد.
۱۱. تماس چشمی ضعیفی برقرار می‌کند.
۱۲. بازی کردن به تنهایی را ترجیح می‌دهد.
۱۳. به نظر می‌رسد در دنیای خودش زندگی می‌کند.

دختران است ۲ تا ۵ مورد در ده هزار نفر تخمین زده‌اند. درخودماندگی یک بیماری روانی عصبی است که ارتباط فرد را با دنیای خارج قطع می‌کند و توانایی فرد را در جهت برقراری ارتباط با دیگران سلب می‌کند. به نظر می‌رسد قربانیان در دنیای خودشان به سر می‌برند و تاکنون پزشکان نتوانستند آنها را درک کنند (تونزلی^۷، ۲۰۰۳).

۲. علائم شایع درخودماندگی

- ✓ مشکل در برقراری ارتباط (چه کلامی، چه غیر کلامی).
- ✓ مشکل تعامل اجتماعی با دیگران هم از نظر بدنی (در آغوش گرفتن) هم از نظر کلامی (مذاکره کردن).
- ✓ رفتارهای تکراری و کلیشه‌ای، مثلاً تکرار واژه‌ها و فعالیت‌ها به طور مداوم و دنبال کردن کارهای معمولی به طور وسواسی.



این اختلال باعث قطع شدن روابط فرد با محیط اطراف می‌شود. کودکان درخودمانده نمی‌خواهند در آغوش مادرشان باشند. حتی بزرگسالان درخودمانده نیز با دیگران ارتباط چشمی ندارند. بعضی از افراد درخودمانده هرگز یاد نمی‌گیرند که صحبت کنند. این رفتارها نه تنها زندگی را

خاصی، به پایان می‌رساند و به خاطر متوجه نشدن منظور آموزگار (استعاره) در انجام کار با مشکل روبه‌رو می‌شود. در اینجا باید سعی کنیم اگر برای کودک در خودمانده‌ای این اصطلاحات را به کار می‌بریم، منظور خودمان را برایش واضح و روشن کنیم (سارا ورت^{۱۲}، ۲۰۰۵).

۱۴. علاقه‌ای به دیگر کودکان نشان نمی‌دهد.

۱۵. روی انگشتان پا راه می‌رود.

۱۶. اغلب دلبستگی خاصی نسبت به اسباب بازی‌ها، اشیاء و برنامه‌ها نشان می‌دهد (زلازو، ۲۰۰۶).

۵. راهبردهای عملی برای مریبان و والدین در کار کردن با کودکان در خودمانده

۵-۲- تکرار کردن یا تکرار نکردن

برای بسیاری از کودکان، اگر احساس کنیم کودک منظورمان را نفهمیده باید آنچه را گفته‌ایم به طرز دیگری بیان کنیم و کودک با بیان دیگر، متوجه منظورمان شوند. اما هنگامی که برای یک کودک در خودمانده بخواهیم آنچه گفته‌ایم را به زبان دیگر تکرار کنیم، چون این کودک در تلاش است آنچه به او گفته شده را پردازش کند، فکر خواهد کرد چیز دیگری که کاملاً متفاوت است را گفته‌ایم و ممکن است در پردازش این مسائل گیج شود. در این موقعیت بهتر است کارهای زیر را انجام دهید:

✓ مکث کنید، صبر کنید ببینید آیا او منظورتان را فهمیده سپس اگر فکر می‌کنید، منظور شما را درک نکرده به او بگویید: "می‌خواهم همان حرفم را، جور دیگری بگویم" بعد حرفتان را با عبارت دیگری بازگو کنید.

✓ در صورت لزوم، آنچه را گفته‌اید بشکنید یا کوتاه کنید.

✓ به جای کلماتی که باعث گیج شدن کودک می‌شوند کلمات آسان‌تر را جایگزین کنید.

همچنین آموزگاران اغلب نگران بقیه‌ی بچه‌های کلاس هستند، با همه اینها، هدف شما تقویت درک تکلم و زبان کودکان در خودمانده است. استفاده از زبان واضح، غیر مبهم و مختصر و مفید اغلب به نفع همه‌ی کودکان است که می‌تواند وهله‌ی نخست باعث پیشرفت ادراک گفتاری کل کلاس، سپس پیشرفت کامل این افراد در حیطه‌های ادراکی دیگر شود (سارا ورت، ۲۰۰۵).

خانواده‌ها و مراقبان کودکان در خودمانده معمولاً در جستجوی درمان برای این کودکان با گزینه‌های زیادی روبرو می‌شوند، از آنجا که افراد مبتلا به اختلال در خودماندگی دقیقاً ویژگی‌های مشابهی ندارند، بنابراین برنامه‌های درمانی باید برای هر فرد به صورت انفرادی تدوین شود. دادستان (۱۳۸۴) بر این باور است به‌رغم پژوهش‌های متعدد و کوشش‌های گسترده‌ای که در قلمروی درمانگری اختلال در خودماندگی انجام شده‌اند در حال حاضر نمی‌توان بر روش درمانگری منحصر به فرد مؤثری انگشت گذاشت. هدف اصلی روش‌های مختلفی که برای درمان این اختلال به کار می‌رود افزایش توان ارتباطی و مهارت‌های زندگی روزمره و هم چنین کاهش مشکلات رفتاری مانند خود تخریب‌گری و پرخاشگری مهار نشده‌ی بیماران است. بنابراین، به خاطر اینکه نمی‌توان روش درمانگری منحصر به فردی را ارائه داد، لذا در مقاله‌ی حاضر به رهنمودهای عملی و عینی برای بهتر شدن وضعیت کودکان در خودمانده پرداخته است.

۵-۱- بگویید منظورتان چیست و آنچه را که می‌گویید

معنی کنید

دانش آموزان در خودمانده معمولاً استعاره، اصطلاح و کنایه را نمی‌فهمند. مثلاً وقتی به یک کودک ۱۰ ساله در کلاس گفته شود که "سر آخرین نفری که کار را تمام کند می‌بریم" او کارش را با وحشتزدگی و نگرانی

۵-۳- کنار آمدن با تغییرات

به گفته‌ی اغلب خانواده‌ها کودکانشان تأکید دارند از یک مسیر برای رسیدن به مقصد استفاده کنند. مثلاً والدینی می‌گویند: اگر ما کودکمان را از مسیر دیگری به مدرسه‌اش ببریم و یا اگر از مسیر همیشگی برای رفتن به جای دیگری (جزء مدرسه) استفاده کنیم، او دچار وحشتزدگی، گریه و ناراحتی خواهد شد. حتی در مدرسه نیز معمولاً می‌بینیم اگر کارها به شیوه‌های مختلفی انجام شوند، این کودکان دچار اضطراب خواهند شد. مثلاً در موارد بسیار دیده شده است پسر خودمانده‌ای تمام طول صبح را قادر به نشستن و انجام دادن کارش نبود، چون نگران بود مبادا ظرف پرندگان در قفس تغییر کرده باشد.

برخی راهکارها برای کمک به این کودکان برای کنار آمدن با تغییرات به شرح زیر است:

✓ اگر آنها قادرند تغییرات رخ داده را ببینند، شما هم با آنها همراه شوید و کمک کنید آن تغییرات را بپذیرند. برای مثال، به آنها نشان دهید مدادهایی که آنجا نگهداری می‌شوند، اکنون اینجا هستند.

✓ در صورت امکان، هر بار فقط یک چیز را عوض کنید. پیدا کردن مداد در جای جدید را می‌توان کنترل و او را به پذیرفتن این تغییر تشویق کرد، اما پیدا کردن چند چیز در جاهای جدید ممکن است منجر به کار اضافی برای کودک شده او را دچار اضطراب کند.

✓ برای نشان دادن اینکه چه تغییراتی در مسیر آمدن او به مدرسه اتفاق می‌افتد، از جدول برنامه هفتگی دیداری استفاده کنید.

✓ از تصاویر، نمودارها و نقشه‌ها کمک بگیرید. مثلاً اگر تعمیر خیابان ایجاب می‌کند مسیر مدرسه تغییر داده شود، روی نقشه یا از راه نقش بازی کردن به او نشان دهید خانه‌ی آنها و مدرسه‌اش در کجا قرار دارد و چگونه می‌توان از مسیرهای متفاوت به مدرسه رفت. علائم و

نشانه‌های مناسب را به وسیله تصاویر و نقشه‌ها شناسایی کنید به طوری که آنها راحت‌تر تغییرات را بپذیرا باشند.

✓ اگر آموزگار جدیدی قرار است کلاس درس را بر عهده بگیرد، پیش از اینکه آموزگار جدید وارد کلاس شود، یک عکس از آموزگار جدید را به دانش‌آموز بدهید به طوری که دانش‌آموز بداند چه کسی قرار است به آنها درس بدهد. از او انتظار نداشته باشید نام آموزگار جدید را به خاطر بیاورد. اگر آموزگار کمکی (جدید) اغلب ناشناس است بهتر است از یک تصویر کلی یا یک نماد برای نشان دادن «آموزگار کمکی» پیش از ورود به کلاس استفاده کنید، تا کودک راحت‌تر آموزگار جدید را بپذیرد. بیشترین چیزی که کودک مبتلا به درخودماندگی راهنگام آمدن یک آموزگار کمکی، ناآرام می‌کند، تغییراتی است که در رفتار سایر شاگردان دیده می‌شود.

درخودماندگی اختلال پیچیده‌ای است که به شکل‌های متفاوتی روی افراد تأثیر می‌گذارد. چون افراد دارای اختلال درخودماندگی شباهت‌ها و تفاوت‌های کمی دارند

✓ اگر آموزگار قصد دارد مدل موهایش را عوض کند (یا ریشش را بزند) خوب است پیش از آن که این تغییرات را در خود ایجاد کند، عکس‌هایی را با یک لباس از حالت قبل و بعد از آن تغییر، تهیه کند و با خود به کلاس بیاورد و با استفاده از آن عکس‌ها درباره‌ی تغییری که در نظر دارد به دانش‌آموز توضیح دهد و با هم درباره‌ی آن تغییرات، بحث کنند تا وقتی آموزگار با تغییرات مورد نظر به کلاس می‌آید دانش‌آموز دچار اضطراب نشود (سازا ورت، ۲۰۰۵).

کارها جویا شد. در این مسیر توجه به دو نکته دارای اهمیت است:

الف- شناخت مدرسه

✓ اغلب دانش‌آموزان این فرصت را خواهند داشت که نگاهی به مدرسه‌ی جدیدشان بیندازند اما صحبت کردن با کارکنان آنجا ممکن است به ملاقات‌های بعدی موكول شود. برای شناخت مدرسه زمانی باید بازدید انجام شود که همه شاگردان مدرسه سر کلاس هایشان باشند تا کودک بتواند بدون وجود سر و صدا یا هیاهو، نگاهی به اطراف بیاندازد. اگر کودک دستیار حمایت از یادگیری (LSA) دارد، این دستیار می‌تواند در آشنا کردن مدرسه به کودک کمک زیادی بکند. به این صورت که می‌تواند کودک در خودمانده و یک یا دو کودک دیگر را به مدرسه ببرد تا مدرسه را ببینند و با قسمت‌های مختلف آن آشنا شوند.

✓ در یکی از این بازدیدها، جاهای مهم مثل دستشویی، ناهارخوری و جای امن را شناسایی کنید و به کودک نشان دهید.

✓ یک دوربین دیجیتالی بردارید و از ساختمان و ویژگی‌های برجسته‌ی آن عکس بگیرید. از این عکس‌ها برای درست کردن آلبوم شخصی استفاده کنید تا هر وقت صحبت از انتقال به مدرسه‌ی تازه است، کودک به آن نگاه کند.

✓ این آلبوم می‌تواند با نقشه‌ی مدرسه شروع شود، این نقشه نشان می‌دهد هر یک از این عکس‌ها کجا گرفته شده و ممکن است مسیر رفت و آمد به مدرسه را نیز مشخص کنند.

✓ مجموعه‌ی مسائلی را که به دانش‌آموز مربوط است و در مدرسه باید بدانند جمع‌آوری کنید و به او بگویید مراقب آنها باشد. در مراحل اولیه مسائل زیادی را به کودک نگوید چون باعث اضطراب و دلزدگی او نسبت به مدرسه

۴-۵- من شروع کرده‌ام، پس تمام هم خواهیم کرد
برعکس پیشنهادهای بالا، اغلب بهتر است به دانش‌آموز اجازه دهید، آنچه را خود شروع کرده خود به پایان برساند. رها کردن کاری که شروع شده برای او کاملاً غیرقابل تحمل است. فقط اطمینان حاصل کنید زمان کافی برای به پایان رساندن کار برایش وجود دارد. به همین ترتیب، اگر از او خواسته‌اید ۳ کار انجام دهد، انجام کار چهارم را به او فشار نیاورید و این مقدار برایش کافی است (سارا ورت، ۲۰۰۵).

۵-۵- ثابت نگه داشتن اشیای مشابه

تصمیم‌گیری درباره‌ی اینکه چه چیز باید تغییر کند و چه چیز باید همان طور که هست، ثابت بماند (مثل بسیاری از جنبه‌های دیگر در خودماندگی) بستگی به نیازهای هر کودک دارد. بعضی مواقع لازم است جنبه‌های خاصی از زندگی مدرسه را برای کودک در خودمانده ثابت نگه داشت و برای کنترل تغییر و تحول به رویکردی با انعطاف‌پذیری بیشتر در زندگی نیاز است. همچنین باید اطمینان پیدا کرد بقیه‌ی قسمت‌های مدرسه هیچ چیز شگفت‌انگیزی ندارند.

۶-۵- انتقال‌ها: شروع مدرسه و تغییر دوره‌ی تحصیلی

یکی از موارد مضطرب‌کننده برای والدین و دانش‌آموزان زمان ورود به مدرسه‌ی تازه یا گذر به مقطع بعدی است. ممکن است دبیرستان از بقیه موارد اضطراب‌آورتر باشد، چون شامل ساختمان‌های خیلی بزرگتر و نیز تغییرات منظم در آموزگاران و کلاس‌ها است. البته کارهای زیادی می‌توان انجام داد تا کودک را برای این تغییرات آماده کرد. همچنین، در هنگام آماده‌سازی این انتقال‌ها (شروع مدرسه یا از یک مدرسه به مدرسه دیگر) باید تا حد امکان نظر والدین را در انجام این

نمایید) تا هنگام رخدادها نهایت تلاش خود را در کمک به کودک انجام دهند (سارا ورت، ۲۰۰۵).

۵-۷- مهارت‌های اجتماعی

توجه به بیشتر نکات زیر یا همه‌ی آنها ضروری است زیرا مهارت اجتماعی، پایه‌ی مهمی برای یادگیری مؤثر محسوب می‌شود:

✓ فراهم کردن «جایی امن» طی ساعت‌های مدرسه برای کودک لازم است. این مکان می‌تواند کتابخانه باشد به شرط آنکه دانش‌آموز در این مکان نسبتاً مستقل باشد. سایر مکان‌ها مثل گوشه‌ای دنج کلاس، اتاق رایانه و مرکز یادگیری را نیز می‌توان برای این کار در نظر گرفت و در کنار این موارد حتماً باید کودک را به طور غیرمستقیم پایش کرد.

تصمیم‌گیری درباره‌ی اینکه چه چیز باید تغییر کند و چه چیز باید همان طور که هست، ثابت بماند (مثل بسیاری از جنبه‌های دیگر در خودماندگی) بستگی به نیازهای هر کودک دارد

✓ در صورت لزوم مکان دیگری را برای ناهارخوری او پیدا کنید (در اینجا نیز نظارت لازم است).

✓ فرصت‌هایی در اختیار کودک قرار دهید تا بدون بیم از مشارکت با دوستانش راحت باشد و با امنیت و آرامش، به کارهای اجتماعی اش پردازد. همچنین بهتر است وقتی کودک با دوستانش است توسط بزرگسالان به خصوص دستیار حمایت از یادگیری دیده نشوند.

✓ همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ارائه روش‌های روزانه برای کم کردن اضطراب دانش‌آموز و جدا کردن وقایع

می‌شود. در کلاس از دانش‌آموزان در خودمانده بخواهید به جدول زمان‌بندی که نشان‌دهنده‌ی تغییرات کلاس و آموزگار است، نگاه کنید (موضوعات این جدول برای اینکه با یک نگاه شناسایی شوند، باید به صورت رنگی باشد).

✓ کودکی که می‌خواهد برای نخستین بار به مدرسه برود ممکن است پیش از شروع کلاس (ترم) آموزگارش را ملاقات کند. در صورت تمایل کارکنان، عکس‌هایی را در اختیار شاگردان قرار دهند تا آنها بدانند آموزگار و آموزگار کمکی‌شان چه کسانی هستند.

ب- شناختن دانش‌آموز

✓ تصویر کلی دانش‌آموز از قبیل علایق، نفرت‌ها، سبک‌های یادگیری و شیوه‌ی تعامل اجتماعی می‌توانند برای آموزگار(های) جدید مفید واقع شوند و به شناختن هرچه بیشتر دانش‌آموز کمک کنند.

✓ یک روش ارتباطی ثابت مثل دفترچه‌ی خاطرات خانه - مدرسه برای ارتباط مدرسه و خانه ترتیب دهید تا اخبار مثبت و ستایش‌انگیز و نیز دلایل نگرانی کودک، هم از طرف آموزگار و هم والدین در آن ثبت شود تا از این راه نیز توانایی‌ها و ناتوانایی‌های کودک راحت‌تر شناخته شود.

✓ ملاقات با کادر آموزشی یا آموزگاران تازه‌ی مدرسه‌ی فعلی دانش‌آموز مفید است. به طوری که آنها بتوانند کودک را در یک محیط (مثل محیط یادگیری) یا توانایی او را در ارتباط با دیگر افراد به ویژه سایر کودکان ببینند و بشناسند. این عمل به ویژه برای کارمندان که مسئولیت حمایت از شاگرد را در مدرسه‌ی جدید، بر عهده دارند حائز اهمیت است.

✓ در صورت لزوم افراد مهمی را که در مدرسه و در زمین بازی از کودک حمایت خواهند کرد (مثل آموزگار کمکی) شناسایی کنید (اطلاعاتی درباره‌ی آنها فراهم

اضطراب و ترس شود، ولی ارائه‌ی راهکارهای تشویق‌کننده و توان‌بخشی برای غلبه بر این مشکل به او کمک می‌کند تا اعتماد لازم را در هر زمینه به ویژه زمینه‌های اجتماعی به دست آورد و ممکن است باعث شود در آینده، بهتر با این مشکل کنار بیاید و حتی در اجتماع راحت‌تر وارد شود. در نهایت باعث ایجاد یک چرخه‌ی مثبت در فرایند اجتماعی شدن او شود (سارا ورت، ۲۰۰۵).

روزانه مهم است. همچنین روش، مربوط به تدریس مهارت‌های لازم در کنار همراهی جنبه‌های هیجانی برای کسب توانایی موفقیت اجتماعی لازم است. فردی که این حمایت را فراهم می‌کند ممکن است بتواند مثل مفسر عمل کرده، به نظریات دانش آموز وقتی که چیزی غلط پیش می‌رود، گوش فرا دهد. ✓ در حین اینکه درک می‌کنیم شاگرد در خودمانده ممکن است در همه‌ی سطوح مدرسه به ویژه تغییر، دچار

زیر نویس‌ها:

- | | |
|--------------------------------|------------------|
| 1. Psychosis | 7. Townsley |
| 2. Kanner , L | 8. Ratter |
| 3. Early Infantile Autism | 9. Zalazo |
| 4. Davison , G .C. | 10. Tantrums |
| 5. Neal , J.M. | 11. Oppositional |
| 6. National Autism Association | 12. Sara Worth |

منابع:

دادستان، پریخ (۱۳۸۴)، روان‌شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی (جلد دوم)، تهران: انتشارات سمت.
منصور، محمود؛ دادستان، پریخ؛ راد، مینا (۱۳۶۵). لغت‌نامه‌ی روان‌شناسی. تهران: انتشارات ژرف.

American psychiatric association (1994). Diagnostic and statistical Manual of Mental disorders (4th ed). Washington T D.C. author.

National Autism Association (2004). Available at: <http://www.naa.org>

Sara Worth (2005). Autism Spectrum disorders: Tip for teacher and parents -Rutter , M .(2000). Genetic studies of autism : from the 1970s into the millennium. Journal of Abnormal child Psychology : 28 ,3-14.

Townsley , J . (2003). Autism and theory of mind : A theory in transition . Availble at: // [www. Jeramyt.org](http://www.Jeramyt.org)

Zelazo (2006) Wath is Autism? Available at:// www.children.gov.on.ca/cs/en/programs/ specialneeds/service.htm